

دکتر گری یتس، ارمیا، سخنرانی ۲۴، ارمیا ۳۰-۳۳، کتاب تسلی، بخش ۱

گری یتس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر گری یتس در حال تدریس در مورد کتاب ارمیا است. این جلسه ۲۴ در مورد ارمیا ۳۰-۳۳، کتاب تسلی، وعده احیا است.

من مشتاقانه منتظر صحبت در مورد فصل‌های ۳۰ تا ۳۳ ارمیا هستم که به عنوان کتاب تسلی از آن یاد می‌شود و به ما کمک می‌کند تا پیام امیدی را که ارمیا پس از این داوری وحشتناک که او پیشگویی می‌کند به مردم می‌داد، ببینیم.

ما در سراسر کتاب ارمیا، تأکید فوق‌العاده و غالبی بر داوری و جنبه‌ای از خدمت ارمیا که شامل سرنگونی ویرانی، ریشه‌کنی و واقعیت آن بود، دیده‌ایم. ارمیا می‌گوید که خشم شدید خداوند تا زمانی که تمام آنچه را که او در نظر داشت به انجام نرساند، برنخواهد گشت. همانطور که فصل‌های ۲۶ تا ۴۵ را در بخش اصلی دوم کتاب مطالعه می‌کردیم، بخشی بسیار دل‌سردکننده و افسرده‌کننده نیز از کتاب دیده‌ایم، زیرا به تمام وقایع مختلف نافرمانی و عدم گوش دادن به کلام نبوی می‌پردازد.

اما در بحبوحه همه این هرج و مرج، در بحبوحه داوری، آن داوری پیامی است که امروز باید بشنویم. وقتی به فرهنگ و جامعه‌ای که ارمیا در آن زندگی می‌کرد و بحرانی که در آن بودند فکر می‌کنیم، از بسیاری جهات، فرهنگ و جامعه‌ای را که ما در آن زندگی می‌کنیم به ما یادآوری می‌کند، با توجه به انحطاط اخلاقی، با توجه به این واقعیت که ما بیشتر و بیشتر از خدا دور می‌شویم. در واقع، با توجه به وضعیت معنوی خود با کلیسا، درک می‌کنیم که داوری در راه است.

بیلی گراهام زمانی گفته بود که اگر خدا آمریکا را داوری نکند، باید از سدوم و عموره عذرخواهی کند بنابراین، ما قوم برگزیده خدا مانند قوم اسرائیل نیستیم. اما متوجه می‌شویم که وقتی جامعه ما با فروپاشی اخلاقی و گناه و بی‌عدالتی و تمام چیزهایی که در مورد یهودا صادق بود، مشخص می‌شود، آنگاه داوری خدا برای ما نیز فرا می‌رسد.

اما باید به خاطر داشته باشیم که پیامبران، احیا و رستگاری را نیز موعظه می‌کنند. پیام آنها شامل داوری و رستگاری است. در واقع، در ابتدای جلساتی که در مورد ارمیا داشتیم، در مورد پیام عهد چهارگانه که دنی هیز و اسکات دووال در کتاب خود، درک کلام خدا، در مورد پیامبران صحبت می‌کنند، صحبت کردیم.

این چهار جنبه شامل این می‌شود که اسرائیل گناه کرده است، آنها عهد را شکسته اند. دوم، آنها باید توبه کنند و برگردند. جنبه سوم این است که اگر توبه‌ای صورت نگیرد، اگر بازگشتی صورت نگیرد، آنگاه داوری فرا خواهد رسید.

اما جنبه چهارم پیامی که در این ویدیو به آن خواهیم پرداخت این است که پس از اجرای داوری و اجرای آن داوری توسط خداوند، قرار است رستاخیزی رخ دهد. وقتی به کتاب تثنیه مراجعه می‌کنیم، همانطور که موسی قوم اسرائیل را برای زندگی در سرزمین موعود قبل از ورود به سرزمین موعود آماده می‌کند، در تثنیه فصل 30، آیات 1 تا 10، عبارتی وجود دارد که در واقع تاریخ اسرائیل را قبل از وقوع آن ارائه می‌دهد. اگر این را به عنوان یک متن موزاییکی ببینیم، در آنجا می‌گویید که وقتی آنها وارد سرزمین موعود می‌شوند، چه اتفاقی برای اسرائیل خواهد افتاد.

آنها قرار است آن را تصاحب کنند، قرار است تمام چیزهای خوبی را که خدا به آنها می‌دهد تجربه کنند، و سپس وقتی از خدا رویگردان شوند، لعنت‌ها را تجربه خواهند کرد، و خدا آنها را از آن سرزمین بیرون خواهد راند، آنها را به تبعید خواهد فرستاد، آن لعنت‌های عهد را بر آنها وارد خواهد کرد. اما وقتی در تبعید باشند و وقتی به سوی خدا روی آورند، آنگاه خدا آنها را باز خواهد گرداند. خدا قلب‌های آنها را ختنه خواهد کرد، آنها را به سرزمین باز خواهد گرداند و آنها را باز خواهد گرداند تا همیشه از نعمت او لذت ببرند.

این واقعاً پیام ارمیا نیز هست. پس از این داوری ویرانگر، پس از آنکه خشم شدید خداوند هر آنچه را که در نظر داشت به اجرا درآورد و به انجام رساند، یک بازگشت و احیا وجود دارد. دیدن این موضوع در این کتاب که تا این حد بر داوری در مرکز آن تمرکز دارد، واقعاً دلگرم‌کننده است، پیامی از امید وجود دارد.

در فصل‌های ۲۶ تا ۴۵، که این داستان غم‌انگیز را برای ما تعریف می‌کند که چگونه یهودا از خداوند روی گرداند، آنها به پیامبران گوش ندادند، آنها داوری را تجربه کردند زیرا از فرصت توبه استفاده نکردند، آنها به کلام خدا گوش ندادند. حتی در میانه‌ی آن بخش، این با وعده‌های امید و رستگاری آینده در تضاد است. خدا قرار نیست قوم خود را رها کند.

به عنوان یک والد، مواقعی پیش می‌آید که فرزندانم کارهایی انجام می‌دهند که مرا ناامید می‌کند. اما هرگز حتی وقتی مجبور به تنبیه آنها هستم، هرگز این فکر به ذهنم خطور نمی‌کند که آنها را از خانواده‌ام بیرون بیاورم. به عنوان یک والد، آنها را دوست دارم.

آن عشق بی‌قید و شرط و بی‌پایان است. خداوند نیز همین نوع عشق را، حتی در درجه‌ای بالاتر، نسبت به قوم خود دارد. دانستن این نکته هنگام فکر کردن به عشق خداوند به قومش، مایه آرامش خاطر است.

هیچ کاری نیست که ما بتوانیم انجام دهیم که باعث شود خدا ما را بیشتر دوست داشته باشد. اما حتی با وجود گناهانمان، هیچ کاری نیست که بتوانیم انجام دهیم که باعث شود خدا ما را کمتر دوست داشته باشد. تأکید بر احیا در کتاب ارمیا آشکارا در همین بخش از کتاب است.

اما به یاد داشته باشید که حتی در همان اولین پیام کتاب، که ارمیا مردم را به خیانت به خداوند متهم می‌کند و آنها را به بازگشت به سوی او تشویق می‌کند، بارقه‌های کوتاهی از امیدی که خداوند برای آینده اسرائیل دارد، وجود داشته است. وقتی آنها به سوی او بازگردند، ارمیا فصل ۳، آیات ۱۵ تا ۱۸، می‌گوید: «این کاری است که خداوند برای قوم خود انجام خواهد داد.» او می‌گوید: «... من به شما شبانانی موافق» «دل خود خواهم داد که شما را با دانش و فهم تغذیه خواهند کرد»

و خداوند می‌گوید، هنگامی که در آن روزها در زمین تکثیر و افزایش یافته باشید، دیگر به صندوق عهد خداوند نخواهند گفت. آن به خاطر نخواهد آمد، به یاد نخواهد آمد، فراموش نخواهد شد و دیگر ساخته نخواهد شد.

در آن زمان، اورشلیم تخت خداوند نامیده خواهد شد و تمام قوم در آن، به حضور خداوند در اورشلیم جمع خواهند شد. و دیگر سرسختانه از دل خود پیروی نخواهند کرد. در آن روزها، خاندان یهودا به خاندان اسرائیل ملحق خواهد شد.

و آنها با هم از سرزمین شمال به سرزمینی که به پدرانمان به میراث دادم، خواهند آمد.» بنابراین، در آینده خدا قوم خود را باز خواهد گرداند. آنها دیگر هرگز گناه نخواهند کرد و با ارتداد از او روی برنخواهند گرداند. بنابراین، هرگز نیازی به تبعید نخواهد بود.

اتحاد دوباره شمال و جنوب رخ خواهد داد. اینها کارهایی است که خداوند برای قوم خود انجام خواهد داد و حتی حضور خداوند به شکلی عمیق‌تر و کامل‌تر توسط اسرائیل تجربه و لذت خواهد برد.

دیگر نیازی به صندوق عهد و قدس‌الاقداص برای ورود مردم به حضور خدا به این شکل نخواهد بود، زیرا تمام اورشلیم برای خداوند مقدس خواهد بود. و آنها قادر خواهند بود خداوند را بشناسند و او را به شیوه‌ای عمیق‌تر تجربه کنند. در ارمیا ۲۳، ما شاهد نگاهی دیگر به امیدی هستیم که خداوند برای آینده اسرائیل در نظر گرفته است.

و به یاد داشته باشید، این در بخشی است که ارمیا در مورد رهبری ضعیفی که یهودا در زمان خود داشت صحبت می‌کند. و در فصل ۲۲، پادشاهان یهودا را داشتید که نافرمانی آنها باعث عذاب مردم شد. در نهایت، خداوند به طور موقت رابطه خود را با خاندان داوود قطع می‌کند زیرا هر یک از آنها کاری را انجام می‌دادند که در نظر خداوند پلید بود.

در باب ۲۳ آمده است: «وای بر شبانانی که گوسفندان مرتع مرا نابود و پراکنده می‌کنند.» با خواندن داستان عهد عتیق متوجه می‌شویم که هر یک از پادشاهان نسل داوود به نحوی مایه ناامیدی بودند. حتی داوود، که مردی موافق قلب خداست، عمیقاً گناه می‌کند.

حزقیا اشتباهاتی مرتکب شد. یوشیا، حتی در پایان عمرش، اشتباه مهلکی مرتکب شد که منجر به مرگش شد. همه آنها به نوعی مایه ناامیدی هستند.

در نهایت، خداوند رهبران نادرست گذشته را با رهبران آینده جایگزین خواهد کرد که قرار است اسرائیل را در مسیر درست هدایت کنند. فصل ۲۳ کتاب کاهن و انبیا بر پیامبران دروغین تمرکز دارد. خداوند رهبران روحانی را برای اسرائیل برخواهد انگیزد که همان چیزی باشند که خداوند از آنها خواسته است.

و این وعده در آیه ۳ است. آنگاه من بازماندگان گله‌ام را از تمام کشورهای که آنها را به آنجا رانده‌ام، جمع خواهم کرد و آنها را به آغلشان باز خواهم گرداند و آنها بارور و کثیر خواهند شد. من شبانان خود را بر آنها خواهم گماشت که از آنها مراقبت کنند و دیگر نه خواهند ترسید و نه هراسان خواهند شد. خداوند می‌گوید که هیچ یک از آنها گم نخواهد شد.

اینک، خداوند می‌گوید، روزهایی فرا می‌رسد که من برای داوود شاخه‌ای عادل برپا خواهم کرد و او به عنوان پادشاه سلطنت خواهد کرد و با خردمندی رفتار خواهد نمود و عدالت و راستی را در زمین اجرا خواهد نمود. در روزگار او، یهودا نجات خواهد یافت و اسرائیل در امنیت ساکن خواهد شد. و این نامی است که او به آن نامیده خواهد شد.

خداوند عدالت ماست «بنابراین، تمام شکست‌های گذشته و تمام داوری‌های زمان حال در زمان ارمیا» همه اینها معکوس و تغییر خواهد کرد. و بنابراین این ایده در جاهای مختلف کتاب مورد اشاره قرار می‌گیرد اما در فصل‌های ۳۰ تا ۳۳ به تمرکز اصلی تبدیل می‌شود. در ابتدای این بخش می‌خوانیم که خدا به ارمیا دستور داده بود که این کلمات را بر روی طوماری بنویسد.

بنابراین، به نظر می‌رسد که در مرحله اولیه خود، این سخنان خاص پیامبر، طوماری جداگانه بودند و برای تأکید و برجسته کردن این ایده که خدا آینده‌ای برای اسرائیل دارد، جدا شده بودند. اکنون، محققان منتقد همانطور که به کتب نبوی نگاه کرده‌اند، اغلب استدلال کرده‌اند که پیام واقعی پیامبران، پیام داوری بوده است. و اینکه ویراستاران یا ویراستاران بعدی آمدند و سخنان امیدبخشی را اضافه کردند تا به نوعی چیزی مثبت از همه اینها بیرون بکشند.

و اینکه این سخنان امید و احیا و رستگاری ممکن است برای پیامبر اصلی معتبر نبوده باشند، زیرا کلام اصلی داوری را کند می‌کرد. مشکل این ایده این است که در تمام مجموعه کتاب‌های نبوی، حتی یک کتاب وجود ندارد که در آن کلمه‌ای از رستگاری وجود نداشته باشد. من فکر می‌کنم تکان‌دهنده‌ترین پیام داوری، کتاب عاموس است.

در آن کتاب نکات مثبت خیلی کمی وجود دارد. عاموس درباره روز خداوند صحبت می‌کند و می‌گوید، شما فکر می‌کنید که این روز، روز نور برای اسرائیل خواهد بود، که خدا دشمنانش را شکست خواهد داد. در واقع، این روز، روز تاریکی خواهد بود.

مثل این است که مردی از شیری فرار کند و به خرسی برخورد کند. و اگر بتواند به نحوی از دست خرس فرار کند و به خانه‌اش برود و برای استراحت به دیوار تکیه دهد، ماری از دیوار بیرون می‌آید و دستش را نیش می‌زند. آنها از عذاب خدا فرار نخواهند کرد.

و او بازماندگانی را که از داوری بیرون می‌آیند، به تصویر می‌کشد. تنها یک دهم از قوم زنده خواهند ماند. قوم، یعنی بازماندگان، مانند بره‌ای خواهند بود که از دهان یک شکارچی بیرون کشیده می‌شود.

و تنها چیزی که باقی می‌ماند، تکه‌ای از گوش، تکه‌ای از دم، و قسمتی از پا است. اما در پایان کتاب عاموس حتی با آن پیام داوری، فصل ۹، آیات ۱۱ تا ۱۵، خداوند قرار است خیمه فرو ریخته داوود را بازسازی کند. و در آینده، همچنان که خداوند قوم خود را برکت می‌دهد و آنها را به سرزمینشان بازمی‌گرداند، تپه‌ها از شراب جاری خواهند شد و برکت و شادی و رفاه برقرار خواهد شد.

بنابراین، اگر فکر کنیم که پیام انبیا منحصرأ داوری بوده است، واقعاً در مجموعه نبوی مشکل داریم زیرا همیشه، در هر کتاب نبوی، نوعی وعده نجات وجود دارد. در ارمیا، اتفاقاً در فصل‌های ۳۰ تا ۳۳ به آن اشاره شده است. عبارتی در ابتدا و انتهای این بخش و چند بار در فصل‌های ۳۰ تا ۳۳ نیز وجود دارد که توصیف می‌کند این بازسازی چه خواهد بود.

خداوند می‌گوید که من بخت قوم خود را باز خواهم گرداند. این را در فصل ۳۰، آیه ۳ در ابتدا و سپس فصل ۳۳، آیه ۲۶ در انتهای این [کتاب] می‌بینیم. بنابراین، این وعده که خداوند بخت قوم خود را باز خواهد گرداند، در واقع بخشی از کتاب تسلی بخش را فراهم می‌کند.

این عبارت همچنین در فصل 30، آیه 18 و فصل 31، آیه 23 آمده است. عبارت عبری «من بخت قوم خود را باز خواهم گرداند» کلمه «شوب شابوت» است. بنابراین، دو شکل از کلمه «شوب» که از نظر الهیاتی در کتاب ارمیا بسیار مهم است.

خداوند بارها و بارها به مردم فرمان داده است که به سوی او بازگردند، به سوی او بازگردند، و آنها بارها و بارها از بازگشت امتناع ورزیده‌اند. بنابراین آنچه خداوند در پایان این فرآیند وعده می‌دهد این است که خداوند کسی خواهد بود که قوم خود را بازمی‌گرداند و آنها را نجات می‌دهد، و او قرار است بخت و اقبال آنها را بازگرداند، آنها را به سرزمینشان بازگرداند، و دقیقاً همان کاری را انجام دهد که موسی در تثبیه فصل ۳۰ به خدا قول داده بود که برای اسرائیل انجام خواهد داد. حال، در ادبیات نبوی، و دوباره، فکر می‌کنم ۳۰ این چیزی است که ممکن است به شما کمک کند تا نوشته‌های پیامبران را بخوانید و با آنها بیشتر آشنا شوید.

این فقط در کتاب ارمیا نیست. پیام‌های نجات معمولاً توسط دو ژانر اصلی منتقل می‌شوند. دو نوع اصلی پیام نجات وجود دارد که در پیامبران عهد عتیق داریم.

مورد اول چیزی است که به عنوان پیشگویی نجات شناخته می‌شود. پیشگویی نجات بسیار خب، در اینجا تعریف یا توصیفی از آن ارائه می‌دهیم.

پیشگویی نجات جایی است که خداوند وعده می‌دهد قوم خود را از موقعیتی خطرناک، ناامیدکننده و گاهی، حتی ناامیدکننده رهایی بخشد. بدیهی است که این موضوع در ارمیا 30 تا 33 اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت، زیرا تبعید برای قوم اسرائیل نمایانگر موقعیتی ناامیدکننده، خطرناک و ناامیدکننده خواهد بود. به ویژه آنچه در پیشگویی نجات داریم این است که اغلب دستوری مبنی بر نترسیدن و نرسیدن وجود خواهد داشت.

چیزی که ما مرتباً در عهد عتیق می‌بینیم. و سپس بخشی از پیشگویی و یک جزء اصلی آن این است که پیشگویی قرار است وضعیت فعلی را با نجاتی که خداوند قرار است بیاورد، مقایسه کند. بنابراین شما در بحبوحه این مشکل هستید.

ممکن است از دیدگاه شما، کاملاً ناامیدکننده به نظر برسد، اما نترسید. من شما را نجات خواهم داد. من شما را از این وضعیت بیرون خواهم آورد.

این وعده‌ای است که خدا قرار است عمل کند. و گاهی اوقات، وقتی مردم در موقعیت‌های خطرناک یا دشوار قرار می‌گیرند، اغلب از خداوند می‌پرسیدند، پروردگارا، چرا خوابیده‌ای؟ کجا هستی؟ کی قرار است مداخله کنی؟ وحی نجات، وعده‌ای خاص از جانب خداوند است که او قرار است در بحبوحه این وضعیت مداخله کند. اکنون، گاهی اوقات می‌بینیم که وحی نجات، این وعده‌های نه ترس، در کتاب‌های نبوی به افراد داده می‌شود.

و با نگاهی به چند نمونه در کتاب اشعیا. بنابراین، این فقط چیزی در کتاب ارمیا نیست. این در مورد پیامبران به طور کلی صادق است.

اشعیا نبی در فصل هفتم کتاب اشعیا نزد آحاز پادشاه می‌آید و به او وحی نجات می‌دهد. و در این میان آحاز، فقط برای یادآوری مختصری در مورد او، یکی از بدترین پادشاهانی است که یهودا تا به حال داشته است. او در نظر خداوند پلید عمل کرد.

او به خداوند توکل نکرد. پسرانش را در آتش قربانی کرد. منظورم این است که یکی از بدترین نمایندگان سلسله داوود در تمام دوران است.

اما در روزگار آحاز، یهودا مورد حمله ائتلاف سوری-افرایمی قرار گرفته است. سوریه و اسرائیل به یهودا حمله می‌کنند. و در این بحبوحه، اشعیا نزد آحاز می‌آید و به او وحی نجات می‌دهد.

و اشعیا فصل ۷ آیه ۳ این را می‌گوید: خداوند به اشعیا گفت، بیرون برو و آحاز را ملاقات کن، تو و پسرت در برکه بالایی در جاده مزرعه رختشویان، آب را پاک کنید. بنابراین، اسرائیل یا یهودا تحت حمله اسرائیل و سوریه است. اورشلیم در شرف حمله ارتش دشمن است.

آحاز دارد منبع آب را بررسی می‌کند تا ببیند آیا می‌توانیم از این وضعیت جان سالم به در ببریم یا نه. پیامی که اشعیا به او می‌دهد این است: می‌گوید: مراقب باش، ساکت باش، نترس و دلت ضعف نکند، زیرا این دو کننده آتش، دود غلیظی به پا می‌کنند.

تو نگران این دو پادشاهی هستی که قرار است به این سرزمین بیایند، آنها ارتش‌های بزرگی دارند. نترس، از این موضوع ناراحت نباش، مضطرب نشو. خدا در سُرف نابودی این افراد است.

آنها فقط دو کننده هیژم در حال سوختن هستند. از خشم شدید رزان و سوریه و پسر آمالیا، این دو پادشاه که حمله می‌کنند، نگران نباش. نترس زیرا سوریه و افرایم علیه تو نقشه شومی کشیده‌اند و می‌گویند که به یهودا برویم.

حمله آنها کارساز نخواهد بود. به وعده خدا امیدوار باشید. این یک پیام نجات است.

آنها در شرایط بسیار سختی هستند. نترسید. خدا مداخله خواهد کرد.

نکته غم‌انگیز این است که پادشاه آحاز، به دلیل شرارت قلبش، به پیام نجات ایمان ندارد و سعی می‌کند این مشکل را به تنهایی حل کند و در نتیجه، فاجعه‌ای را برای یهودا به ارمغان می‌آورد. بعدها، پسر آحاز، حزقیا قرار است پیام نجات را دریافت کند. و این زمانی است که، باز هم، ما بارها در مورد این داستان صحبت کرده‌ایم، اورشلیم توسط ارتش آشور محاصره شده است.

حزقیا با دعا و ایمان به خداوند روی می‌آورد و ایمان دارد که خدا او را نجات خواهد داد. در نتیجه، اشعیا نزد او می‌آید و به او وحی نجات می‌دهد. فصل ۳۷، آیه ۵. از سخنانی که شنیده‌ای و جوانان پادشاه آشور مرا با آنها دشنام داده‌اند، مترس.

بنابراین، پیامبر می‌گوید، بنگرید، از تهدیدهایی که آشوریان علیه شما می‌آورند و کفرهایی که علیه خدا مرتکب شده‌اند، نترسید. آیه ۷، اینک، من روحی در او قرار خواهم داد تا شایعه‌ای بشنود و به سرزمین خود بازگردد، و او را در سرزمین خودش با شمشیر خواهم کشت. نترس.

تو در شرایط سختی هستی. من اوضاع رو عوض می‌کنم. من از پس پادشاهی که بهت حمله کرده برمی‌آم.

من از تو محافظت خواهم کرد. تفاوت بین حزقیا و پدرش این است که حزقیا به ترس اعتقاد داشت، نه به وعده. وقتی خدا وحی نجات را می‌دهد، می‌خواهد مردم با ایمان پاسخ دهند.

بنابراین، بعداً در کتاب اشعیا، فصل ۴۳، آیات ۱ تا ۳، خداوند قرار است به قوم اسرائیل به طور کلی، به تبعیدیان ساکن در آن سرزمین - همان مردمی که ارمیا بر آنها تمرکز دارد - یک پیام نجات بدهد. بنابراین، این یک متن بسیار مرتبط با مطالعه ما در مورد کتاب ارمیا است.

به آنچه اشعیا به تبعیدیان می‌گوید گوش دهید. اما اکنون، خداوند چنین می‌گوید و این یکی از عبارات مورد علاقه من در تمام پیامبران است به دلیل وعده‌ای که در اینجا آمده است. خداوند که تو را آفرید، ای یعقوب، که تو را آفرید، ای اسرائیل، چنین می‌گوید: نترس زیرا من تو را نجات داده‌ام.

و حالا، ای وحی نجات، نترس. این وحی، نجاتی را که قرار است اتفاق بیفتد، طوری تصویر می‌کند که انگار از قبل اتفاق افتاده است. من تو را نجات داده‌ام.

من تو را به اسم صدا زده‌ام. تو مال من هستی. من با تو رابطه‌ای دارم.

و بر اساس آن رابطه، من شما را نجات خواهم داد. و سپس خداوند می‌گوید، وقتی از آب‌ها عبور کنید، من با شما خواهم بود. و وقتی از رودخانه‌ها عبور کنید، آنها شما را غرق نخواهند کرد.

وقتی از میان آتش عبور کنی، نخواهی سوخت و شعله آن تو را نخواهد سوزاند، زیرا من یهوه، خدای تو، قدوس اسرائیل، نجات‌دهنده تو هستم. بسیار خوب.

وقتی آنها سفر بازگشت به سرزمین موعود را آغاز می‌کنند، فرقی نمی‌کند از چه چیزی عبور کنند، چه مجبور باشند از آب عبور کنند و چه از آتش، خدا با آنها خواهد بود. خدا آنها را به سرزمین موعود باز خواهد گرداند و آنها را از وضعیت ناامیدکننده‌ای که در آن هستند نجات خواهد داد. در کتاب اشعیا، مسئله تبعیدیان چه می‌شود؟ آیا آنها به این ترس پاسخ خواهند داد، نه به روشی که آحاز یا حزقیا انجام دادند؟ بنابراین، در ارمیا 30-33، ارمیا نیز با ترس به میان مردم خواهد آمد، نه با وعده.

و وعده‌هایی که وحی نجات هستند، جایی که خداوند می‌گوید، من از وضعیت ناامیدکننده‌ای که در آن هستی آگاهم، اما از تو مراقبت خواهم کرد و تو را نجات خواهم داد. بیایید به فصل 30، آیات 10 و 11 نگاهی بیندازیم. فصل 30، آیات 10 و 11 می‌گوید، پس ای یعقوب، نترس، بنده من خداوند را اعلام می‌کند.

همان پیامی که به آحاز، به حزقیا، به مردم در کتاب اشعیا دیدیم. این همان پیامی است که ارمیا نیز با آن به سوی تبعیدیان بازمی‌گردد. نترسید.

آرام باش. ای یعقوب، بنده‌ی من. بسیار خوب.

دلیل اینکه خدا قرار است این کار را برای اسرائیل انجام دهد این است که رابطه‌ی ویژه‌ای با این مردم دارد. او آنها را برگزیده است. او آنها را از فیض رایگان خود برگزیده است تا قوم آنها باشند و این تغییر نخواهد کرد.

ای اسرائیل، هراسان مباش، زیرا اینک من تو را از دوردست‌ها نجات خواهم داد. و فرزندان تو، یعنی یعقوب، از سرزمین اسارتشان بازخواهند گشت و در آرامش و آسایش خواهند بود و هیچ‌کس او را نخواهد ترساند. زیرا من با تو هستم تا تو را نجات دهم، خداوند می‌گوید.

من تمام ملت‌هایی را که شما در میان آنها پراکنده هستید، به طور کامل نابود خواهم کرد، اما هیچ یک از شما را، جز شما را، به طور کامل نابود نخواهم کرد. بنابراین، وضعیت ناامیدکننده‌ای وجود دارد. آنها در میان اسارت هستند.

آنها در سرزمینی بیگانه هستند. آنها توسط این دشمنان مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند. خدا وعده می‌دهد. که برای نجات آنها وارد عمل شود.

من شما را نجات خواهم داد. یاشا، یکی از کلمات مهم عبری در مورد نجات در عهد عتیق. خداوند قرار است وضعیت فعلی آنها را تغییر دهد.

آنها توسط دشمنانشان داوری می‌شوند. خداوند قرار است دشمنانشان را نابود کند و اسرائیل را نجات دهد. بنابراین، این وارونگی در این پیشگویی‌های نجات رخ می‌دهد.

این ایده همچنان ادامه می‌یابد، زیرا پیامبر در آیات ۱۲ تا ۱۷ فصل ۳۰، این وحی نجات را بسط می‌دهد. آنچه در بخش اولیه این وحی نجات اتفاق می‌افتد، تمرکز گسترده و دقیقی بر وضعیت ناامیدکننده فعلی یهودا است. در واقع، وقتی به یهودا در تبعید نگاه می‌کنید، به نظر می‌رسد که این یک وضعیت ناامیدکننده است.

و این چیزی است که خداوند می‌گوید. درد تو، آیه ۱۲، علاج‌ناپذیر است. باشه؟ تو زخمی شده‌ای

تو به بیماری داری. لا‌علاج. این به وضعیت ناامیدکننده‌ست

زخم تو دردناک است. کسی نیست که از تو حمایت کند. هیچ دارویی برای زخم تو و هیچ درمانی برای تو نیست.

این ما را به یاد اوایل کتاب می‌اندازد، زمانی که مردم در گیلیاد به دنبال بمب می‌گردند و هیچ چیزی آنجا نیست. همه معشوقه‌های تو را فراموش کرده‌اند. صحبت از ملت‌هایی است که با آنها متحد شده‌اند تا از این وضعیت خارج شوند.

آنها هیچ اهمیتی به تو نمی‌دهند، زیرا من تو را به ضرب دشمن و به کیفر دشمنی بی‌رحم دچار کرده‌ام. چون گناه تو بزرگ است، گناهان تو آشکار است. چرا بر درد خود فریاد می‌زنی؟ درد تو بی‌درمان است، زیرا گناه تو بزرگ است، و چون گناهان تو آشکار است، من این کارها را با تو کرده‌ام. آیا اینجا چیزی هست که اصلاً امیدوارکننده به نظر برسد؟ بی‌درمان است.

آنها هیچ دارویی ندارند. آنها هیچ کمکی ندارند. و آنها تحت عذاب خدا بوده‌اند

و بعد، به نظر می‌رسد آیه ۱۶ واقعاً قرار است اینجا چکش بخورد، زیرا پیامبر می‌گوید، بنابراین، لاکن، که همانطور که به سخنرانی‌های داوری نگاه کرده‌ایم، اغلب حکم داوری را معرفی می‌کند، کاری که خدا قرار است علیه آنها انجام دهد. و بنابراین ما انتظار داریم، با توجه به آیات ۱۲ تا ۱۵، حکم داوری، حکم گناهکار بودن را صادر کنیم، و این کاری است که من می‌خواهم انجام دهم. گناهان تو آشکار است، گناه تو بزرگ است، من این کارها را با تو کرده‌ام، لاکن.

اما آنگاه به آنچه خداوند می‌گوید گوش فرا ده. هر که تو را ببلعد، بلعیده خواهد شد و هر که دشمنانت را، هر یک از ایشان، به اسیری خواهند رفت. هر که تو را غارت کند، غارت خواهد شد و هر که تو را دعا کند، او را به غنیمت خواهیم گرفت.

زیرا خداوند می‌گوید: «من سلامتی را به تو باز خواهم گرداند و زخم‌هایت را التیام خواهم بخشید، زیرا تو را مطرود خوانده‌اند. این صهیون است که هیچ‌کس برایش اهمیتی قائل نیست.» این یک متن زیباست زیرا با این جمله شروع می‌شود که هیچ شفایی وجود ندارد، هیچ درمانی وجود ندارد، هیچ امیدی وجود ندارد؛ بنابراین، من دشمنانت را نابود خواهم کرد و تو را شفا خواهم داد و تو را احیا خواهم کرد.

تیم کلم می‌گوید که این متن، تصویر زیبایی از لطف غیرمنطقی خداوند است، جایی که هیچ چیز در وضعیت فعلی وجود ندارد که باعث شود آنها فکر کنند امیدی برای آینده‌شان وجود دارد، اما بنابراین من سلامتی را به شما باز خواهم گرداند، زخم‌های شما را التیام خواهم بخشید. بنابراین، در یک پیشگویی نجات، وعده نترسیدن، وعده اینکه خدا به نحوی خاص وارد این وضعیت می‌شود، اینکه خدا نجات می‌دهد، رستگار می‌کند، نجات می‌دهد، رهایی می‌بخشد، و سپس در نتیجه آن وضعیت ناامیدکننده را تغییر می‌دهد، این همان چیزی است که پیشگویی نجات در مورد آن است. حال، ژانر اصلی دیگر نجات در انبیا عهد عتیق چیزی است که به عنوان تصویر نجات از آن یاد می‌شود.

و اینکه تصویر رستگاری چیست، باز هم، پیامی از امید است، وعده‌ای است. گاهی اوقات، تشخیص تفاوت بین یک پیشگویی رستگاری و یک تصویر رستگاری چندان آسان نیست، اما چیزی که در یک تصویر رستگاری وجود دارد این است که توصیفی شاعرانه از شرایطی ارائه می‌دهد که در زمان رستگاری آینده، زمانی که خدا قوم خود را بازمی‌گرداند، وجود خواهد داشت. بنابراین اغلب، به شیوه‌های بسیار اغراق‌آمیز شاعرانه و زیبا، این همان چیزی است که رستگاری خدا قرار است به آن شکل باشد. در پیامبران، وقتی خدا قوم خود را از تبعید بازمی‌گرداند، زندگی آنها قرار است به این شکل باشد.

به یاد داشته باشید که در عاموس، تپه‌ها از شراب چکه خواهند کرد، زیرا قرار است رفاه باورنکردنی‌ای وجود داشته باشد. بنابراین، این نوع توصیف اغراق‌آمیز، اغراق‌آمیز و شاعرانه از زندگی در زمان نجات، همان چیزی است که یک تصویر از نجات را می‌سازد. و ما با نگاه به این چیزها متوجه می‌شویم که پیامبران واقعاً فراتر از زمانی را که مردم به سرزمین خود باز می‌گردند، می‌بینند. آنها در نهایت مشتاقانه منتظر پادشاهی آینده خدا هستند.

حالا، برخی از ما ممکن است این سوال را پرسیم که آیا آنها در مورد پادشاهی هزار ساله یا پادشاهی ابدی صحبت می‌کنند؟ در مورد پیامبران، فکر می‌کنم اگر از اشعیا یا ارمیا یا حزقیال این سوال را پرسید، ممکن است آنها ندانند که شما در مورد چه چیزی صحبت می‌کنید. آنها صرفاً مشتاقانه منتظر پادشاهی هستند. و آنها مشتاقانه منتظر این زمان آینده احیا و رستگاری هستند و از این تصاویر زیبا و شاعرانه از زندگی و برکت و صلح و رفاه برای توصیف این موضوع برای مردم استفاده می‌کنند که این کاری است که خدا برای شما انجام خواهد داد.

باز هم، فقط ارمیا نیست که این کار را می‌کند. این ویژگی کل ادبیات نبوی است. بنابراین، به این متن از اشعیا فصل ۱۱، آیات ۶ تا ۹ گوش دهید. فکر می‌کنم با این یکی آشنا هستیم.

گرگ با بره سکونت خواهد داشت، و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید، و گوساله و شیر و گوساله پروری با هم، و کودکی کوچک آنها را هدایت خواهد کرد. بنابراین، آیا می‌توانید تصور کنید که کودکی کوچک حیوانات خانگی خود یا حیوانات خانگی‌اش را با خود ببرد، و این شامل یک گوساله، یک شیر و یک پلنگ باشد؟ و او در اینجا در شرایط کاملاً آرام، پلنگ را نوازش می‌کند.

گاو و خرس با هم خواهند چرید، بچه‌هایشان با هم خواهند خوابید، و شیر مانند گاو نر کاه خواهد خورد. کودک شیرخوار در سوراخ مار بازی خواهد کرد و نگران گزیده شدن نخواهد بود. کودک از شیر گرفته شده دست خود را بر لانه افعی، امنیت مطلق آنها، خواهد گذاشت.

آنها در تمام کوه مقدس من آسیبی نخواهند رساند و ویرانی نخواهند کرد. بنابراین، این توصیف شاعرانه زیبا، قلمرو حیوانات را به عنوان نمادی از شرایط صلح و هماهنگی مطلق که در قلمرو آینده وجود خواهد داشت، به کار می‌برد. حال، آیا این عبارت به معنای واقعی کلمه است یا به معنای مجازی؟ خب، فکر می‌کنم، به نوعی، ممکن است هر دو باشد.

زیرا خداوند قرار است لعنت و مرگ و تمام چیزهایی را که در آسمان‌های جدید و زمین جدید تجربه می‌شوند، معکوس کند، اما فراتر از آن، فکر می‌کنم این یک روش شاعرانه برای توصیف هماهنگی مطلق در قلمرو سیاسی، در قلمرو انسانی، در قلمرو طبیعت است. این وعده بزرگ و گسترده است.

وعده دیگری مانند این وجود دارد. پادشاهی آینده چگونه خواهد بود؟ خب، اشعیا آن را در فصل ۶۵ کتاب اشعیا اینگونه به تصویر می کشد. و اشعیا ۶۵ این را می گوید، زیرا اینک، من آسمان های جدید و زمین جدیدی خواهم آفرید.

و دوباره، از دیدگاه عهد جدید، می خواهیم این سوال را پرسیم، خب، آیا این پادشاهی هزار ساله است یا پادشاهی ابدی؟ پیامبران چیزها را به این وضوح نمی بینند. آنها فقط یک پادشاهی را می بینند. چیزهای پیشین به یاد نخواهند آمد یا به ذهن خطور نخواهند کرد، اما برای همیشه از آنچه من خلق می کنم شاد و مسرور باشید.

زیرا بنگرید، من اورشلیم را برای شادی و مردمش را برای شادی خلق می کنم. و بنابراین، به تمام رنجها فکر کنید و به بدبختی و اندوه و فاجعه ای که مردم تجربه کرده اند فکر کنید. خب، وقتی خدا آن را احیا کند، اورشلیم دوباره به مکانی برای شادی و جشن تبدیل خواهد شد.

خداوند می گوید: من در اورشلیم شادمان خواهم شد و از قوم خود مسرور خواهم گشت. دیگر صدای گریه و ناله های پریشانی در آن شنیده نخواهد شد. بسیار خوب، حالا یک آیه جالب اینجاست

اشعیا ۶۵ آیه ۲۰. دیگر در آن نوزادی که جز چند روز زنده نماند و پیرمردی که عمرش تمام نشود، نخواهد بود. زیرا جوان در صد سالگی خواهد مرد و گناهکار صد ساله ملعون خواهد بود.

بنابراین، دوباره درگیر این سوال می شویم که آیا این هزاره است. آیا این پادشاهی ابدی است؟ من فکر می کنم این صرفاً یک روش شاعرانه برای بیان این است که شرایط مرگ و اثرات نفرینی که اکنون می بینیم، در پادشاهی آینده به طور اساسی تغییر خواهد کرد. و در آن زمان، مرگ تا جایی کاهش می یابد که اگر کسی در صد سالگی بمیرد، کودک محسوب می شود. او یک نفرین محسوب می شود.

حال، در کتاب انبیاء، جاهای دیگری هم هست که در این پادشاهی آینده، مرگ کاملاً از بین خواهد رفت. بنابراین، آن تصاویر به نوعی در تضاد با یکدیگر قرار می گیرند. قرار نیست همیشه اینها را به شیوه های کاملاً تحت اللفظی بخوانیم.

این به سادگی می گوید که شرایط و اثرات نفرین معکوس خواهد شد. و این چیزی است که خدا به مردم وعده می دهد. آنها خانه های خواهند ساخت و در آنها ساکن خواهند شد.

تاکستانها غرس خواهند کرد و میوه آنها را خواهند خورد. نخواهند ساخت و دیگری در آن ساکن نخواهد شد. نخواهند کاشت و دیگری خواهد خورد.

و زیرا روزهای قوم من مانند روزهای درخت خواهد بود و برگزیدگان من مدت ها از کارهای دست خود لذت خواهند برد. بنابراین، آنچه در تبعید اتفاق افتاد، جایی که دشمن وارد شد و به سرزمین آنها حمله کرد و شهرهای آنها را ویران کرد و آنها را برد، دیگر هرگز اتفاق نخواهد افتاد. و آنها هرگز خانه های نخواهند ساخت و قادر به زندگی در آنها نخواهند بود.

آنها دیگر هرگز تاکستان نمی کارند و اجازه نمی دهند کس دیگری میوه آن را بخورد. تا زمانی که درختی وجود دارد، آنها در آن سرزمین زندگی خواهند کرد. آنها عمر طولانی، برکت و رفاه خواهند داشت.

این همان چیزی است که یک تصویر رستگاری به آن شباهت دارد. و در ارمیا، فصل‌های ۳۰ تا ۳۳، ما همچنین این وعده‌های اغراق‌آمیز و گسترده را در مورد صلح و رفاه پادشاهی آینده، زمانی که اسرائیل به سرزمین خود بازمی‌گردد، داریم. در روزگار ارمیا، آنها در سه موج تبعید به اسارت گرفته می‌شوند.

اما وعده‌ی کتاب تسلی این است که خداوند آنها را بازمی‌گرداند و آنها دوباره از این سرزمینی که با شیر و عسل جاری است لذت خواهند برد. آنها برای همیشه از آن لذت خواهند برد. و خداوند قلب قوم خود را تغییر خواهد داد تا دیگر هرگز مجبور نباشند این نوع داوری ویرانگر را که از سر گذرانده‌اند، تجربه کنند.

بگذارید چند مورد از این موارد را در کتاب ارمیا در آیات ۳۰ تا ۳۳ بخوانم. ما در ارمیا ۳۱، آیات ۱۱ تا ۱۴، تصویری از رستگاری داریم. بسیار خوب، ارمیا ۳۱، آیات ۱۱ تا ۱۴.

زیرا خداوند یعقوب را فدیه داده و او را از دست‌هایی که از او قوی‌ترند، رهایی داده است. ایشان خواهند آمد و بر بلندی‌های صهیون سرود خواهند خواند و بر نیکویی خداوند، بر غله، شراب و روغن، و بر بچه‌های گله و رمه، خواهند درخشید. زندگی ایشان مانند باغی سیراب خواهد بود و دیگر هرگز افسرده نخواهند شد.

آنگاه دختران جوان به رقص شادی خواهند کرد و جوانان و پیران شادمان خواهند شد. من ماتم ایشان را به شادی تبدیل خواهم کرد. ایشان را تسلی خواهم داد و به جای غم، شادی به ایشان خواهم بخشید.

«خداوند می‌گوید: من روح کاهن را با فراوانی سیر خواهم کرد و قوم من از نیکی من سیر خواهند شد.» آنچه باید در آنجا بشنوید این است که تصویر شرایط آینده‌ی احیای پادشاهی خدا، زمانی که همه اینها به طور کامل محقق شود، کاملاً برعکس چیزی است که مردم در روزگار ارمیا تجربه کردند. آنها وحشت محاصره، قحطی و طاعون را تجربه کرده بودند. و تصویر دوم پادشاهان سامره را در زمان محاصره به یاد داشته باشید.

سر یک الاغ به قیمت ۸۰ مثقال نقره فروخته می‌شود. یک چهارم لیتر مدفوع کبوتر به قیمت پنج مثقال نقره. شرایط وحشتناک قحطی و محاصره، حالا آنها قرار است فراوانی را تجربه کنند.

در روزگار ارمیا، سوگواری و غم وجود داشت. و یکی از چیزهایی که هنگام خواندن این بخش مرا تحت تأثیر قرار داد و در حین مطالعه‌ی مجدد برای این درس‌ها مرا تحت تأثیر قرار داد، تأکید زیادی است که در آیات ۳۳ بر این واقعیت وجود دارد که تبعید با گریه و سوگواری و غم مشخص می‌شد. این [وضعیت] قرار ۳۰ است. به یک جشن پرشور تبدیل شود.

در بعضی جاها، زنان جوان دف می‌زنند، می‌رقصند، شادی می‌کنند. این چیزی است که اینجا اتفاق می‌افتد. مردم آواز می‌خوانند و خدا را ستایش می‌کنند.

این کاملاً برعکس چیزهایی است که در جاهای دیگر کتاب خوانده‌ایم. به یاد داشته باشید، در فصل ۹، مرگ از پنجره بالا می‌رود، و اوضاع در سرزمین یهودا آنقدر وخیم است که ارمیا می‌گوید باید زنانی را که عزادار حرفه‌ای هستند فرا بخوانیم. و آنها باید بیایند و غم و اندوه مردم ما را ابراز کنند زیرا مرگ از پنجره بالا آمده است.

ارمیا خود پیامبر گریان است و ای کاش سرم چشمه اشک می‌بود تا می‌توانستم بی‌وقفه برای قومم به خاطر آنچه که از سر می‌گذرانند، گریه کنم. تمام آن گریه‌ها به شادی تبدیل خواهد شد. به یاد داشته باشید، در شرایط ارمیا، یکی از نشانه‌های اعمال یا یکی از چیزهایی که ارمیا در زندگی خود انجام داد این است که خدا در

ارمیا ۱۶ آیات ۱-۴ به او می‌گوید که نباید ازدواج کند، نباید فرزندی به دنیا بیاورد، نباید به مکان‌های جشن و سرور برود.

خب، اگر خدا قرار بود آن فرمان را در مورد بازسازی به ارمیا بدهد، او باید اورشلیم را ترک می‌کرد زیرا هر جای شهر قرار است محل جشن و سرور باشد. اما آن محرومیت و آن دل‌سردی، آن غم و اندوه، قحطی همه این چیزها قرار است معکوس شوند. در آیه ۱۸ از ارمیا ۳۱، صدایی در رامه شنیده می‌شود، ناله و گریه تلخ.

راحیل برای فرزندان گریه می‌کند. او از تسلی یافتن برای فرزندان امتناع می‌کند زیرا آنها دیگر وجود ندارند. بنابراین، مادر قبایل اسرائیل به عنوان زنی که از نابودی قومش غمگین است، به تصویر کشیده شده است، اما خدا قرار است آنها را با شادی و سرور و جشن بازگرداند.

به توصیفی که از شهر اورشلیم به ما داده شده گوش دهید. متنی که می‌خواهم اینجا بررسی کنم، فصل ۳۱ آیات ۳۸ تا ۴۰. در اینجا تصویر دیگری از نجات داریم.

خداوند چنین می‌گوید، متاسفم، اینک روزهایی فرا می‌رسد، خداوند می‌گوید، که شهر برای خداوند از برج حننئیل تا دروازه گوشه بازسازی خواهد شد. و خط اندازه‌گیری مستقیماً به تپه جارب خواهد رفت و سپس به گوا خواهد پیچید. تمامی دره اجساد و خاکستر و تمام مزارع تا نهر قدرون تا گوشه دروازه اسب به سمت شرق، برای خداوند مقدس خواهد بود.

دیگر ریشه‌کن یا واژگون نخواهد شد. و بنابراین، ما آن سخنان داوری را می‌شنویم که از ویژگی‌های خدمت ارمیا بوده است، ریشه‌کن کردن، ویران کردن، اما خدا در شرف انجام کار کاشتن، احیا کردن و بازسازی قوم خود است. و تمام شهر اورشلیم برای خداوند مقدس خواهد شد.

این فقط قرار نیست محوطه معبد باشد. تعدادی از پیامبران، وقتی در مورد بازسازی آینده صحبت می‌کنند، در واقع اساساً چهار ایده را مطرح می‌کنند که دائماً در مورد بازسازی تکرار می‌شوند. اول، خدا قرار است اسرائیل را از تبعید بازگرداند.

دوم، او شهرهای آنها را بازسازی و مرمت خواهد کرد. سوم، به طور خاص، او شهر اورشلیم را بازسازی خواهد کرد و مردم معبد را بازسازی خواهند کرد. حزقیال ۴۰ تا ۴۸ شرح مفصلی از چگونگی معبد آینده به ما می‌دهد.

ارمیا واقعاً زیاد صحبت نمی‌کند یا اصلاً به معبد اشاره‌ای نمی‌کند. او صرفاً درباره بازسازی شهر اورشلیم صحبت می‌کند. در فصل سوم، او می‌گوید که آنها حتی قرار نیست صندوق عهد را بازسازی کنند.

آنها دیگر به آن نیازی نخواهند داشت. تمام شهر اورشلیم برای خدا مقدس خواهد بود. به یاد داشته باشید که شهر اورشلیم در زمان ارمیا چگونه بود.

در فصل پنجم، آنها در شهر می‌گردند تا یک فرد درستکار را پیدا کنند، اما نمی‌توانند آن را پیدا کنند. مکان‌هایی مانند دره هنوم وجود دارد که در آن توفت و معابد خدایان بت‌پرست و مراسم قربانی کردن کودکان وجود داشته است. حتی آن مکان‌هایی که پر از اجساد آلوده شده‌اند، در نهایت به مکان‌هایی تبدیل می‌شوند که برای خدا مقدس هستند.

تمام اورشلیم مکانی برای شادی و جشن خواهد بود. چهارمین وعده‌ای که پیامبران خواهند داد این است که ملت‌ها نیز در نهایت در برکات آن نجات سهیم خواهند بود. در جلسه بعدی در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

حالا بیایید به ارمیا باب‌های ۳۰ تا ۳۳ فکر کنیم. ما پیشگویی‌های نجات و تصاویر رستگاری را دیده‌ایم. ما این پیام زیبا را دیده‌ایم.

بیایید با توجه به پیام کتاب ارمیا به طور کلی، به ارمیا فصل‌های ۳۰ تا ۳۳ فکر کنیم. طرح کتاب، داستان کتاب، قطعاً دیده‌ایم که ارمیا از روند خطی که معمولاً در یک کتاب انتظار داریم، پیروی نمی‌کند. حتی وقتی کتاب اساساً داستان زندگی و خدمت ارمیا را برای ما تعریف می‌کند، تنها بخش‌هایی از آن به ترتیب زمانی هستند.

این نوع پندبندی و موازی‌سازی روایی بیشتر وجود دارد. با وجود این ساختار که گاهی اوقات گیج‌کننده است، من معتقدم که کتاب ارمیا اساساً حول یک طرح خاص ساخته شده است. اگرچه این کتاب مجموعه‌ای از پیام‌ها، موعظه‌ها و پیشگویی‌ها است، اما در اینجا حرکتی در جریان است که در آن یک مشکل و یک راه‌حل در حال وقوع است.

به یاد داشته باشید که مشکل در همان پیام اول کتاب این است که رابطه‌ای گسسته بین خدا و قومش وجود دارد. به طور خاص، تصاویری که در فصل دوم، فصل اصلی، یعنی یهودا و اسرائیل استفاده شده است، همسری بی‌وفا بوده‌اند. آنها مرتکب فحشا شده‌اند.

آنها با پرستش این خدایان دیگر، بارها و بارها آشکارا مرتکب زنا علیه خداوند شده‌اند. رابطه دیگری که در فصل سوم، آیات ۱۹ و ۲۰ شرح داده شده است، این است که آنها پسران بی‌وفایی بوده‌اند. بنابراین، طرح کلی کتاب، کتاب ارمیا، فقط در مورد این نابودی تصادفی نیست.

این فقط مربوط به این نیست که خدا خشم خود را خالی کند و بگوید، وای، این افراد از عهد سوءاستفاده کرده‌اند. من با آنها تسویه حساب خواهم کرد. هدف همه این‌ها در نهایت این است که خدا برای مجازات گناهان گذشته اقدام می‌کند، اما برای پاکسازی و ترمیم آنها تا آن روابط شکسته دوباره برقرار شوند.

بنابراین، در ابتدای کتاب، ما یک همسر بی‌وفا و یک پسر بی‌وفا داریم. فصل‌های ۳۰ تا ۳۳، در پایان این فرآیند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ ارمیا منتظر پایان کتاب نمی‌ماند تا این را به ما بگوید. راه‌حل در فصل‌های ۳۰ تا ۳۳ است، خدا قرار است آن رابطه را دوباره برقرار کند.

به یاد داشته باشید که در ارمیا فصل دوم، آیه ۲۰ درباره یهودا به عنوان قوم خدا چه می‌گوید. آنها زن بی‌وفایی هستند که بر روی هر تپه‌ای و زیر هر درخت سبز مرتکب زنا و فحشا شده‌اند. آنها مانند حیوانات در حال جفت‌گیری بوده‌اند.

و سپس در ارمیا ۱۳، در نتیجه‌ی آن، خدا همسرش را به شدت مجازات خواهد کرد. و تصاویر بسیار نگران‌کننده‌ای برای توصیف وجود دارد که قبلاً در مورد آنها صحبت کردیم. خدا برهنگی آنها را آشکار خواهد کرد.

خداوند قرار است ننگ آنها را به ملت نشان دهد، و خداوند قرار است همسر بی‌وفای خود را به صورت فیزیکی مجازات کند. اما آنچه در آیات ۳۱، ۲۱ تا ۲۲ اتفاق می‌افتد این است که آن ازدواج قرار است احیا

شود. و خداوند می‌گوید، من قرار است عهد جدیدی با مردم ببندم که مانند عهدی که با آنها در مصر بستم، زمانی که من شوهر آنها بودم، نخواهد بود.

بنابراین، این عهد جدید، این ازدواج بالاخره به ثمر خواهد نشست. و کتاب ارمیا درباره این داستان باورنکردنی از عملکرد خدا در زندگی قوم یوفایش است، حتی اگر آنها به پیامبر گوش ندهند. اگرچه او باید این داوری را انجام دهد، اما در نهایت خدا قوم خود را باز خواهد گرداند و این ازدواج را احیا خواهد کرد.

و ما در فصل ۳۱، آیات ۲۱ و ۲۲، اشاره‌ای به این موضوع می‌بینیم. این چیزی است که خدا به مردم می‌گوید، برای خود نشانه‌هایی در جاده قرار دهید و برای خود تابلوهای راهنما بسازید. به بزرگراه، راهی که از آن رفته‌اید، خوب فکر کنید.

و بنابراین، خدا اسرائیل را تصور می‌کند. این نشانگرها را نصب کنید تا بتوانید راه بازگشت به سرزمین موعود را پیدا کنید. و من به آن تابلوهای اصلاح موی برمه فکر می‌کنم که در قدیم همیشه کنار جاده برای تبلیغات بودند. آن تابلوها قرار است اسرائیل را به سرزمین موعود بازگردانند.

و این چیزی است که خداوند می‌گوید، ای باکره اسرائیل، برگرد. حال، وقتی به فیضی فکر می‌کنید که زنی اسرائیل، را به عنوان همسر خدا، که فاحشه‌ای بی‌شرمانه بود، می‌گیرد و او را به باکره‌ای زیبا و پاک تبدیل می‌کند، این فیض خداست.

کتاب اشعیا نیز همین کار را می‌کند. فصل اول، شهر وفادار من به یک فاحشه تبدیل شده است و پر از بی‌عدالتی، خونریزی و بی‌وفایی به خداوند است. اما در پایان کتاب، می‌دانید اورشلیم چه می‌شود؟ به شادی خداوند تبدیل می‌شود.

مثل زنی نازا می‌شود که خدا او را دوباره به همسری برمی‌گرداند. او دوباره با او ازدواج می‌کند و از طریق فیض خود، او را از این فاحشه‌ی بی‌وفا به باکره‌ای پاک و زیبا تبدیل می‌کند که دوباره او را به همسری خود درمی‌آورد. این فیض خداست.

این فیض خداست که خداوند به اسرائیل نشان داد. این فیض خداست که او به هر یک از ما، صرف نظر از گناهان، نشان می‌دهد. او قادر است ما را پاک کند، ما را خالص سازد، ما را در نظر خود مقدس سازد.

به همین دلیل است که عیسی برای ممکن ساختن این امر به صلیب رفت. اما این کاری است که خداوند برای قوم خود، اسرائیل، انجام خواهد داد. و می‌گوید، ای اسرائیل باکره، به شهرهای خود بازگردید.

ای دختر بی‌وفا، تا کی تردید خواهی کرد؟ بسیار خوب. این ویژگی اسرائیل و یهودا در طول تاریخشان بوده است، اما آنها به سوی خداوند باز خواهند گشت. و سپس این را می‌گوید، زیرا خداوند چیز جدیدی را در زمین آفریده است.

خداوند قرار است کار خلقت جدیدی انجام دهد. یک زن، مرد را احاطه کرده است. و بحث‌های زیادی در مورد معنای این عبارت وجود دارد.

برخی افراد درباره غلبه یک زن بر یک مرد و اینکه چگونه اسرائیل، به عنوان این ملت ضعیف تبعید شده، در نهایت از اسپرکنندگانش قدرتمندتر خواهد شد، صحبت کرده‌اند. و این مانند این خواهد بود که خدا یک زن را به یک جنگجو تبدیل کند. اما احتمال دیگر این است که ایده محاصره کردن ممکن است ایده در آغوش گرفتن یک مرد توسط یک زن را منتقل کند.

و خداوند این خلقت جدید را انجام می‌دهد که در نهایت، این همسر بی‌وفا او را دوست خواهد داشت. و این رابطه دوباره برقرار خواهد شد. بنابراین، می‌دانید، اغلب، ما در مورد منتقدان فمینیستی صحبت کرده‌ایم که از تصاویر زنانه ناراحت هستند.

و صادقانه بگویم، از بسیاری جهات نگران‌کننده است. اما ما درک می‌کنیم که روشی که پیامبر در نهایت از این استعاره استفاده می‌کند، به تصویر کشیدن چیزی بسیار زیبا و چگونگی بازگرداندن آن رابطه‌ی از هم گسیخته توسط خداوند است. همچنین رابطه‌ای از هم گسیخته بین خداوند و قومش وجود دارد، مانند رابطه‌ی بین پدر و پسر.

برخی از ما این را با فرزندان خودمان تجربه کرده‌ایم. و این دلگرم‌کننده است که بدانیم حتی خدا هم وقتی ما چنین چیزهایی را تجربه می‌کنیم، از این نوع چیزها عبور می‌کند. برخی دیگر از ما به افرادی که در چنین موقعیت‌هایی قرار دارند، خدمت کرده‌ایم.

برخی از ما ممکن است در آینده با این واقعیت روبرو شویم، صرف نظر از اینکه، می‌دانید، تمام تلاشمان را می‌کنیم تا آنها را بزرگ کنیم، تا خداوند را بشناسند و دوست داشته باشند، این یک واقعیت است. و این یک واقعیت برای خدا و قوم او بود. و در بخش اول ارمیا، آنها پسران بی‌ایمانی هستند که به سوی خداوند باز نخواهند گشت، که به گناه خود اعتراف نخواهند کرد.

اما به آنچه در فصل ۳۱، آیات ۱۸ تا ۲۰ آمده است گوش دهید. خداوند می‌گوید: من صدای افرایم را شنیده‌ام، که معمولاً با پادشاهی شمالی مرتبط است. من صدای غم و اندوه افرایم را شنیده‌ام.

، تو مرا تنبیه کردی. و من مثل یک گوساله‌ی تربیت‌نشده تنبیه شدم. خدا مجبور بود قوم خود را تنبیه کند، زیرا آنها سرسخت و سرکش بوده‌اند.

و اکنون آنها نزد خداوند سوگواری می‌کنند. مرا برگردان. مرا برگردان، مرا احیا کن تا شاید احیا شوم.

زیرا تو یهوه، خدای من هستی. زیرا پس از آنکه روگردان شدم، پشیمان شدم. و پس از آنکه به من دستور داده شد، ران خود را زدم.

من شرمنده و سرافکنده بودم زیرا ننگ جوانی‌ام را به دوش می‌کشیدم. و آنگاه خداوند می‌گوید: آیا افرایم پسر عزیز من است؟ آیا او پسر عزیز من است؟ زیرا هر وقت که از او سخن می‌گویم، هنوز او را به یاد می‌آورم. از این رو، دلم برای او می‌تپد.

خداوند اعلام می‌کند که من قطعاً بر او رحم خواهم کرد. ما از طریق اشک‌های ارمیا، او را به عنوان پیامبری گریان دیدیم، و او تجسم زنده‌ای از اشک‌های خدا بود. و والدین بسیاری بوده‌اند که به خاطر رابطه‌ی از هم پاشیده با فرزندانشان اشک ریخته‌اند و ماتم گرفته‌اند.

و خدا آن رنج را تجربه کرد، و خدا آن درد را تجربه کرد. و حتی هنگامی که او مردم را داوری می‌کرد، صرفاً خشم و غضب خود را که بخشی از این [داوری] است، خالی نمی‌کرد. او همچنین از سرکشی پسرش اندوهگین بود.

اما آنچه در نهایت در این کتاب می‌بینیم این است که تمام این فاجعه و هرج و مرج، و حتی در کتابی که گاهی اوقات به نظر می‌رسد بازتابی از آن هرج و مرج و نحوه‌ی کنار هم قرار گرفتن آن است، تقریباً می‌توانید

تصور کنید که ارمیا این کتاب را در میان تمام ویرانی‌ها و خرابی‌های این تبعید سروده است. سرانجام اسرائیل به جایی می‌رسد که از طریق تأدیب خدا به گناه خود پی می‌برد. آنها خدا را تصدیق می‌کنند، و به دلیل تأدیب خدا، آنچه را که در زمان ارمیا نمی‌گفتند، به خدا تصدیق می‌کنند.

برخی از چیزهایی را که مردم در سراسر کتاب ارمیا به خداوند گفته‌اند، به یاد بیاورید. و آنها سابقه‌ی گفتن تمام چیزهای نادرست به خدا را دارند. در فصل دوم، وقتی خداوند آنها را با گناه و بت‌پرستی‌شان روبرو می‌کند، آیه‌ی ۲۳، من نجس نیستم.

من به دنبال بعل‌ها نرفته‌ام. فصل دو، آیه ۳۵، خداوند، در مورد چه چیزی صحبت می‌کنی؟ من بی‌گناه هستم. چطور ممکن است خدا از ما عصبانی باشد؟ در فصل ۱۴، آنها دو اعتراف گناه به خداوند می‌دهند و کلمات بسیار خوب به نظر می‌رسند، اما خداوند آنها را نمی‌پذیرد زیرا می‌گوید که اینها فقط کلمات هستند و هیچ تغییر واقعی وجود ندارد.

آنها فقط چیزی را می‌گویند که فکر می‌کنند من می‌خواهم بشنوم. در فصل ۱۸، آیه ۱۲، آنها از بازگشت امتناع می‌کنند. و به یاد داشته باشید، خداوند به آنها فرصت‌های پی در پی داده است.

ارمیا نزد کوزه‌گر می‌رود و گل هنوز هم می‌تواند شکل بگیرد، اما در پایان آن عمل نشانه، مردم می‌گویند این غیرممکن است. ما برنخواهیم گشت. ما راه‌های خود را دنبال خواهیم کرد و طبق سرسختی دل‌های خود عمل خواهیم کرد.

و این متن می‌گوید که افرایم مانند یک گوساله‌ی تربیت‌نشده بود. حتی به انتهای کتاب در آخرین رویداد تاریخی واقعی در خدمت ارمیا می‌رسیم، مردم می‌گویند که ما به تو گوش نخواهیم داد، و ما همچنان به تقدیم قربانی‌ها و نذرهای خود و انجام قربانی‌هایمان به خدایان بت‌پرست ادامه خواهیم داد، زیرا معتقدیم که آنها کسانی هستند که می‌توانند به ما کمک کنند. بنابراین، در سراسر این کتاب، از ابتدای خدمت ارمیا در فصل دوم تا پایان خدمت ارمیا در فصل ۴۴، مردم به خدا سخنان نادرست گفته‌اند.

آنها نشانه‌ی سرکشی بوده‌اند. اما در این فصل، سرانجام، فصل ۳۱، به جایی خواهند رسید که توبه می‌کنند، جایی که خداوند را تصدیق می‌کنند و رابطه‌ی از هم گسیخته دوباره برقرار خواهد شد. ارمیا کتابی است که به اعتقاد من باید به دو دلیل آن را جدی بگیریم.

اولاً، به دلیل هشدارهای مربوط به داوری علیه یک جامعه‌ی بی‌خدا، و ما در بحبوحه‌ی آن زندگی می‌کنیم. من معتقدم که ما در آستانه‌ی تجربه‌ی شاید بسیاری از چیزهایی هستیم که مردم در زمان ارمیا تجربه کردند. اما ما همچنین باید این کتاب را جدی بگیریم زیرا این کتاب بیان زیبایی از رحمت و لطف خداست.

این فیضی است که ما در رستگاری شخصی تجربه می‌کنیم، وقتی که خداوند را می‌شناسیم، وقتی که از گناهانمان روی برمی‌گردانیم، وقتی که از بت‌هایمان روی برمی‌گردانیم و به سوی خدای زنده و به سوی آنچه عیسی برای ما انجام داده است، روی می‌آوریم. اما این همچنین فیضی است که خدا به ما به عنوان قوم خود نشان می‌دهد و ما آن را در زندگی روزمره خود تجربه می‌کنیم. ارمیا تصویری ترسناک از داوری دارد اما در کنار آن، بیانی شگفت‌انگیز و زیبا از فیض خدا، رحمت خدا و شفقتی که او در نهایت هنگام احیای قوم اسرائیل بر آنها خواهد ریخت، ارائه می‌دهد.

این دکتر گری یتس در حال تدریس در مورد کتاب ارمیا است. این جلسه ۲۴ در مورد ارمیا ۳۰-۳۳، کتاب تسلی، وعده احیا است.